

تدوین

سرمقاله

تایید فله ای صلاحیت ها، ابزار فشار بر شورای نگهبان

یکی از خصایص انتخابات پیش رو که آن را از سایر انتخابات متمایز می کند، رشد قارچ گونه ی تعداد داوطلبین، نسبت به سایر ادوار است. البته این امر در شرایط عادی، امری مطلوب و نشان دهنده ی شور و نشاط سیاسی و رشدیافتگی سطح دموکراسی است؛ لیکن آنچه که در این میان موجب برانگیخته شدن حساسیت ها می شود، ثبت نام گسترده ی افرادی است که فاقد حداقل صلاحیت ها برای تصدی این پست می باشند. برای نمونه طبق اظهارات مسئولین ذیربط، تعداد کثیری از این افراد، دارای سابقه ی موثر کیفری هستند.

از دیگر سوی، شاهد آن بودیم که تعداد معتناهی از این افراد، توسط هیأت های اجرایی فرمانداری ها تایید صلاحیت شده اند و این تساهل و تسامح در روند تایید صلاحیت ها در حالی است که تعدادی از نمایندگان فعلی مجلس، بدون هیچگونه ادای توضیح و ارایه ی دلایل و مستندات قانونی، توسط این هیأت ها، رد صلاحیت شده اند.

بدیهی است صرف ثبت نام افرادی با سوابق منفی، لزوماً به منزله ی وجود یک طرح از پیش طراحی شده نمی باشد اما رویکرد هیأت های اجرایی، در تایید این افراد این شایبه را به ذهن متبادر می کند که در پس این اتفاقات، یک «اتاق فرمان» وجود دارد که این پروسه را سازمان دهی می کند.

حال سوالی که به ذهن متبادر می شود این است که هدف از اجرای این سناریو، چه می تواند باشد؟

به نظر می رسد جریان مزبور ۲ هدف را از این امر، دنبال می نمایند.

اول اینکه از این امر به عنوان اهرم فشاری بر شورای نگهبان استفاده نموده، این شورا را برای انجام وظایف قانونی خود (که طبیعتاً رد صلاحیت گسترده این افراد را در پی دارد) تحت فشار قرار دهند و مانع رد صلاحیت مفسدین سیاسی و افراد دخیل در فتنه گردند.

دومین هدفی که دنبال می شود این است که چنانچه فشارهای وارده بر شورای نگهبان، خللی بر کار این نهاد وارد نیلورد و تمامی افراد فاقد صلاحیت، بدون هیچ اغماض و تسامحی، رد صلاحیت شوند، این طیف سیاسی دست به یک «مانور مظلومیت» بزند و این رد صلاحیت گسترده را دستمایه ی زیر سوال بردن سلامت انتخابات، قرار داده، آتش افروز فتنه ای دیگر گردند.

محمدسعید ابراهیمی

نشریه ی مستقل دانشجویی

سال اول، شماره ی اول

* شماره ی مجوز: ۹۴۳۴۴۴

* مدیر مسئول و سردبیر: سعید حبیب زاده

* هیئت تحریریه: سعید حبیب زاده، محمد سعید ابراهیمی،

حمید باقری، ابوالفضل عباسی



انقلاب اسلامی ایران و احیای هویت اسلامی

هادی با ادب

(مدخله العالی) ، پایه فکری و ارزشی و پایه عملی، دو پایه اساسی هندسه حاکم بر نظام جهانی هستند که با وقوع انقلاب اسلامی و موفقیت های جمهوری اسلامی ایران دچار تزلزل شده اند .

چرا که با پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق اهداف آن با تکیه بر رهبری دینی ، مردم باوری و تحقق پیشرفتی صعودی ، باعث شده گفتمان اسلام گرایی به عنوان یک بازیگر مستقل و یک قدرت مهم، چه به صورت بالفعل و چه به صورت بالقوه، در ابعاد مختلف مطرح گردد . نکته حایز اهمیت اینکه ویژگی های این بازیگر جدید با سایر بازیگران، که در قالب اتحادیه های مختلف همچون اتحادیه های اروپا شکل گرفته است ، تفاوت اساسی دارد زیرا در این سیستم مرزبندی های سنتی مرسوم جغرافیایی، نژادی و قومی ملاک نبوده و بر هویت اسلامی تأکید شده است و این نکته بزرگترین نقطه قوت ترویج و تعالی این گفتمان می باشد .

بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران، با تکیه بر ترویج فرهنگ اسلام ناب و تفکر استقلال و آزادی، خواهد توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال فکری را برای مسلمانان به ارمغان آورده و با از بین بردن خودباختگی در حوزه ی فکر و اندیشه ، به بازسازی تمدن اسلامی بپردازد تا بدین ترتیب کشورهای مسلمان در عین اهتمام جدی به ایجاد هویتی مستقل و اسلامی ، به تقویت توان تعاملی و تبادللی جهان اسلام مبادرت ورزند .

به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران می تواند با ایجاد ائتلافی مستحکم ، مرکب از کشورهای جهان اسلام ، کشورهای در حال توسعه و ... در تغییر هندسه قدرت نظام بین الملل به سمت هندسه جدیدی مبتنی بر دین باوری ، معنویت ، مردم محوری ، عدالت و عقلانیت ، ایفاگر نقشی مهم و اساسی باشد . و این مهم می بایست در اولویت طرح ریزی سیاست خارجی دولت مردان قرار گرفته و بر مبنای درک جایگاه واقعی جمهوری اسلامی ایران در فضای بین الملل با قدرت چانه زنی بالاتری از عزت و مصلحت انقلاب اسلامی و خون شهدا پاسداری نمایند .

اسلام حقیقی از طریق ترویج اسلام سیاسی و فقهاتی ، بسیاری از مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داد و این احیای هویت اسلامی نقطه ی امیدی شد برای سایر ملت های رنج کشیده که جنبش های مردمی در گوشه و کنار جهان از آفریقا تا اروپا از این جمله اند، برای مثال ظهور و بروز جامعه میلیونی مسلمان در نیجریه منبعت از انقلاب اسلامی ایران با همه ی خفقاها و سرکوبگری ها و واکنش های نظام سلطه و اسلام آمریکایی و وهابیت برای سد کردن راه نوادگان حقیقی امام خمینی (ره) مسیر تعالی خود را باصلا بت طی کرده و به نقطه ثبات و غیر قابل حذف رسیده اند .

از این حیث، گفتمان اسلام گرایی در انقلاب اسلامی عملاً به نفی سلطه محوری و غرب باوری به عنوان یک ارزش انجامیده است و بدین سبب میتوان گفت پیروزی انقلاب اسلامی ایران مسبب حیات دوباره فرهنگ و تمدن اسلامی شده و رقابت آن با فرهنگ غرب، که در پی غلبه بر جهان بود آغاز گردید . البته جامعه ی اسلامی در گذشته ، هم به خاطر دوران سلطه غرب بر جوامع مسلمان و هم به دلیل سرعت پیشرفت علمی و تکنولوژیک غرب ، نوعی احساس خودکم بینی می کردند و سعی عمومی غرب باوران نیز که با مهندسی دول غربی بر مسند حکومت جوامع اسلامی نشسته بودند بر این بوده است که گذشته ی اسلامی خود را نادیده بگیرند و کورکورانه از روش ها و شیوه های زندگی غربی الگوبرداری کنند ، که انقلاب اسلامی موجب گردید از این احساس حقارت و خودکم بینی نیز کاسته شده و مسلمانان به طور اعم به گذشته ی خود و به هویت اسلامی خود نگاهی مثبت داشته و در صدد احیای ارزش های دینی و اسلامی خود باشند ، همانطور که در دهه های گذشته بیداری اسلامی در اغلب کشورهای مسلمان رقم خورد و این مسیر نیز ادامه خواهد داشت و نگرانی و شرارت های دول استکبار با همراهی اذنبشان در برخی کشورهای اسلامی مانند خود باختگانی همچون رژیم آل سعود نسبت به صدور گفتمان انقلاب اسلامی ایران نیز از همین منظر قابل تحلیل می باشد . به تعبیر مقام معظم رهبری

آیا ائتلاف غربی، عربی به سوریه حمله می کند ؟

آیا جنگ نیابتی منجر به جنگ مستقیم در منطقه می شود ؟

پیروزی های اخیر در سوریه منشاء تحولات میدانی، سیاسی و راهبردی شده است. این پیروزی ها طراحی سه گانه محور غربی، عبری، عربی را با شکست مواجه می کند. طراحی سه گانه محور غربی، عبری، عربی برای سوری :

۱- حوزه میدانی : در حوزه میدانی محور غربی، عبری، عربی تلاش می کرد تا جبهه النصره را با ترکیبی از احرار الشام و جیش الاسلام جایگزین داعش نماید.

۲- حوزه سیاسی : محور مذکور در حوزه سیاسی سعی می کرد که احرار الشام و جیش الاسلام را در چیدمان مذاکرات در میز سیاسی ژنو قرار دهد.

۳- حوزه راهبردی

: محور غربی،

عبری، عربی در

حوزه راهبردی بر

این انگاره بود

که جبهه النصره با

برتری میدانی، سبب

تحمیل چیدمان میز

ژنو به سوریه شده

و آنان موفق به

کنار گذاشتن بشار

اسد می شوند.

اما پیروزی های

اخیر در سوریه محور

غربی، عبری، عربی

را دچار وحشت

و هذیان گویی

(مداخله نظامی

مستقیم در سوریه)

کرده است. در این

در این میان شکست تروریست ها در سوریه، بیش از همه ترکیه را با مخاطرات امنیتی مواجه می سازد. اما با این اوصاف ترکیه هم هزینه های جنگ مستقیم در سوریه را می داند و به تنهایی از عهده ریسک آن بر نمی آید.

با این توضیحات تهدید عربستان و ترکیه و حتی آمریکا ناظر بر جنگ روانی استراتژیک است. آنان با جنگ ادراکی علیه مسئولان سوریه، ایران و روسیه می خواهند مقامات مسئول در این کشورها را وادار به محاسبه مجدد و اشتباه محاسباتی کنند. این جنگ روانی استراتژیک از یک طرف مانع از ادامه پیروزی ها در سوریه شده و از طرف دیگر با جلوگیری از محاصره کامل تروریست ها در حلب، فرصت ساماندهی مجدد آنان را پس از شکست های اخیرشان، بدست خواهند آورد.

در این راستا به نظر می رسد کدخدا پذیران با گرفتار آمدن در دام جنگ روانی استراتژیک محور غربی، عبری، عربی دچار اشتباه محاسباتی شده و خواستار آتش بس فوری!!! گردیده اند. آنان ادامه پیروزی ها در سوریه را مزاحم تعامل با کدخدا و اذنازش می بینند.

[دکتر رضا سراج]

رابطه روزنامه گاردین مدعی شد احتمالا عربستان هزاران تن از نیروهای ویژه خود را با همکاری ترکیه به سوریه اعزام خواهد کرد. اوپاما به خوبی می داند، آغاز کننده جنگ در سوریه لزوما نمی تواند خاتمه دهنده به آن باشد. از این رو درگیر شدن در جنگ سوریه، بازی در زمین برد جمهوری خواهان خواهد بود و حتی اگر او هم بخواهد، دموکرات ها با آن مخالفت خواهند کرد. ضمن آنکه در چند سال گذشته همواره تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلاف نظامی علیه سوریه با شکست مواجه شده است.

عربستان نمی تواند همزمان درگیر دو جنگ باشد از طرفی درگیری در بحران های چند لایه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین حساسیت های ایران و روسیه، عربستان را از بازی با آتش برحذر می دارد.



مقایسه دو نهاد نظارتی در ایران و آمریکا

اعضاء و نحوه تشکیل

ایران: شش عضو فقیه توسط مقام رهبری به مدت شش سال منصوب می شوند و شش عضو حقوقدان به وسیله ی رئیس قوه ی قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی و با رای مجلس به مدت شش سال انتخاب شوند.

آمریکا: اعضاء با معرفی رئیس جمهور و با تایید مجلس سنا به صورت مادام العمر به عضویت در دیوان عالی منصوب می شوند.

امکان عزل

ایران: در شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران فقها قابل عزل می باشند، ولی حقوقدانان تا پایان دوره غیر قابل عزل هستند. آمریکا: اعضاء در شورای دیوان عالی ایالات متحده غیر قابل عزل هستند.

صلاحیت نهاد

ایران: شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران صلاحیت بررسی عدم مغایرت مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی نظارت بر انتخابات (خبرگان رهبری، ریاست جمهوری،

مجلس شورای اسلامی و همه برسی) بررسی عدم مغایرت مقررات (آئین نامه ها، تصویب نامه ها، بخشنامه ها و ...) ارجاعی از سوی دیوان عدالت اداری با موازین شرع، عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی و عضویت فقهای شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت نظام را دارد.

آمریکا: دیوان عالی ایالات متحده آمریکا

به دعاوی ما بین شهروندان دو یا چند ایالت، مرجع تجدید نظر از آرای دادگاه های فدرال و رسیدگی به شکایت شهروندان مبنی بر نقض حقوق بنیادین را دارد.

استقلال نهاد

ایران: شورای نگهبان قانون اساسی ایران نهادی مستقل است. آمریکا: دیوان عالی ایالات متحده آمریکا وابسته به قوه ی قضاییه این کشور است.

اعتبار تصمیمات و قابلیت تجدید نظر

ایران: اصولا آرای شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران قطعی و غیرقابل تجدید نظر است، اما در برخی موارد نقض می شود (نظیر حکم حکومتی مقام معظم رهبری یا مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام)، نظریات تفسیری شورای نگهبان در روزنامه رسمی چاپ می شود.

آمریکا: آرای دیوان عالی ایالات متحده آمریکا قطعی و از اعتبار قضیه مختوم به برخوردار است، آرا منتشر می شوند

